شناسنامه نسخه های عکسی

۲۰۶

شماره ۱۴

عنوان: نقطه (شرح حديث أنا النقطة ....) (حديث - فارسی)

مؤلف: ابن ترکه

عکس از کتابخانه: مرعشی نسخه شماره: ۳۰۳۵/۱۲

تعداد صفحات: ۱۰ تاریخ عکس:

ملاحظات:

نسخه اصل ☒ نسخه دوم ☐

فتوکپی تهیه شده ☒ فیش برای نسخه های عکسی ☐

محقق: شیخ علی فرخ

چاپ شده در:

THE PRINCE GHAZI TRUST FOR QURANIC THOUGHT
This file was downloaded from QuranicThought.com
www.mzi.ir
www.zakhair.net

THE PRINCE GHAZI TRUST
FOR QUR'ĀNIC THOUGHT

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله مفیض العلم والصلوة علی محمد و آله و سلم و بعد ... از فراق و فاق
و سرچشمه بسط و استغنای رفتی از عزیزی رسید مشعر باستکشاف معنی انا النقطة التی تحت الباء
چون در وقتی بود که قهرمان زمان مخدرات سراپرده غیب بر منصات تجلی عیان
در حجله نوبهار بر تخت مرغزار و منطقه شاخسار در جلوه گری داشته فزانی بوقلمون اسمائی
نامیه هر دم رنگی مینمودند و ابدا عیان سرادق کبریای ... هر لحظه تجلی ظاهری مینمودند
گاهی بر روی گلگونی منبجه عذرا که مریم آسا در مجلی آستین ... صد گونه مراد آراسته گاهی
بزبان غزل سرای بلبل که عیسی وش در مهد لوا ساده هزار دستان ... نقش میبستند
عشاق با پیمانه راز ... صبا ... بازار ... فصحای ...
... قلم ... زبان ... الکاف ... زمان
...
...
...

www.zakhair.net
This file was downloaded from QuranicThought.com

[illegible] مستانه چنانچه گفته‌اند [illegible]

احوال [illegible] برتو خاصگان [illegible] در [illegible]

خود [illegible] به طرح اشاره کرد ورای [illegible] متعارف [illegible]

قدرت بر فهم احوال ایشان دست آمد و بقوت حفظ و لذت برخورداری از این

سرگذشته‌ها که از خانواده‌ها است و حکمت بهره و در دفتر درگذشته بسته: کتاب ره نابا

هر راهی رعایت ذاتی ذوق باندازه مرتبت که مردیست [illegible] گوشه‌ها مانند که ادب

تعلیم و تالیف که سبب تیسیر امر تفهیم میشود چنان اقتضا کرد که این کتاب مقصد و جوهر حکمی

شود که کاشف [illegible] از معنی نقطه زبانی که راز حروف انبیا زمان دور [illegible] به آن وسیله

تواند بود که در مدارج بطون آن کلمات که آغاز بن سرود گرده شود و مبنای [illegible] اجداد

عزت این دختر قوم برای لایت گشوده گردد تا طالبان هو گشته بقدر ذوق خود بهره

برند: گرد و زهی چین بشکرش که دلامروز [illegible] که از دو [illegible] بر بند اوست و

وا مانده که سجاده بشتابانی در او نه سجاده و تسبیح بکار برند اوست [illegible] سابه داشت

که حروف مقطعه قرآنی که تحفه انبیا و رسل از حضرت عزت سوی [illegible] با [illegible] ضلال و

حیرت همان آیه که به مقتضای نص جعل لکم السمع والابصار والافئدة قلیلا ما تشکرون

او را در این عالم [illegible] که در آنجا ردی [illegible] منبع علوم [illegible] صدور [illegible] گردد

www.mzi.ir
www.zakhair.net
This file was downloaded from QuranicThought.com

وقفية الأمير غازي للفكر القرآني
THE PRINCE GHAZI TRUST FOR QURANIC THOUGHT

آن همین سرّ شگرفت که این آیه به آن اشعار فرموده که چه حروف را باز اهر مشعری
از این منشأ غرض سه صورت خاص و بسیط معیّن پرداخته شده که از آنجا به آن صورت ظاهر گردد
اوّلا صورت کتابیّت که مورد نزول آن سمعت و ثانیاً صورت لسانی که به معنی ظهور آن
بصورت ثالث صورت معنوی لبابی که محل بروز آن فؤاد است چنانچه به آن اشارت گشت
بباید دانست که هر صورتی از این صور ثلثه ماده خاص دارد که بمنزله هیولای صورت میشود
و مبدأ التقوم و منشأ التفاصیل او همان میگردد چنانچه ظهورات هوائی در صورت کلامی
نقطه مبانی در صورت کتابی و وحدت اصلی در صورت المبانی و از این صور ثلثه آنچه تعلق
بطرف الاثر دارد و زبان حقیقت نشان اشکال کتابیست که اصل آن نقطه است و لهذا
از وجهی نقطه مبدأ وجود حروف واقع گشته و از وجهی اکثر هم و مبدأ التمیز او در علم به آن
و از بیان اردش گشت وجه اختصاص نقطه بحضرت ولایت شعاری امیری سلام الله علیه و
علی آله چنانچه عبارت حقایق نشان نشان به آن اشارت فرموده چنانچه به آن اشارت شده
است اکنون که شروع در وجوه تحقیق آن کرده شود و بنیاد از وجهی که زبان اشارت بران
سر دیگر است نهاده تا واردان بوادی تعبد را کشف الغیب شود و در مدارج بطون این
سخن عروج نمایند و از توغل در مسالک آن سرخوش گردند ده پایه بست
زده ام آهنگ قول خویش تا بو که فهم آن نمیدانی تو در شود نهفته نخواهد بود که

www.mzl.ir
www.zakhair.net
This file was downloaded from QuranicThought.com

[illegible] نقطه [illegible] بر [illegible] است [illegible] حروف میشود

[illegible] خصوصیات [illegible] لباس نقطه [illegible] اند از آن حروف

که بر آن میدانند [illegible] اظهار [illegible] از آنجمله [illegible] از آن لباس [illegible]

تفاوت دارند چه بعضی آنند که بصورت وجودی نقطه تمیز داده میشوند که آنرا حروف

ناطقه خوانند و بعضی بصورت عدمی او ظاهر میشوند و آن صوامته و قسم اول که نقطه

بصورت وجودی خود سبب [illegible] برای آنها اند چنین لباس نمایش کونی حرف فوق خارج

او واقعند چنانچه نقطه خا و فا و چنین لباس نمایش وجودی و معراج [illegible] داخلی افتاده

چنانچه نقطه با و جیم [illegible] آنجمله [illegible] گشت باید دانست که با عبارت از صاحب مرتبه

نبوت است چون [illegible] زبان [illegible] حرف با بیان داده است که بصورت نون و یا

که تمام سوانح [illegible] ظاهر گشته و از آنجا [illegible] عالم [illegible] را فهم کرده حسب

این سخن را در اظهار کمالات وجودی نبی که عبارت از علوم خاصه اوست که سبقت

از اقران زمان خود ربوده پیش افتاد و پس اگر در نمایش مراتب [illegible] در باب صوری

از ایشان تخلف نموده باشد کلاه [illegible] از دون [illegible] جاهش ازین حکایت [illegible] عیب و نقص

نخواهد گشت پس این روی سخن همچنانچه بیان مرتبه [illegible] نموده عذر [illegible] تخلفی

که در پیش [illegible] عالم آرایش نموده شده ممهد [illegible] گل [illegible] غنچه شکفته [illegible] شده

وقفية الأمير غازي للفكر القرآني
THE PRINCE GHAZI TRUST FOR QUR'ANIC THOUGHT

سخن منکر در پرده‌ی جهل نبوده‌اند و جهتی دیگر از این سخن که در اینجا بر ما از زبان [illegible] تفهیم
لغت به از آن ابلاغ [illegible] دلیت سخنانی دلپذیر پیش گوش عقل روشن هویدا است
که آنچه منشا آن را الیه یا نامیده‌اند یعنی وحدت [illegible] قابل شرکت هیچ نوع نمی‌توانند چنانچه
جمهور اهل نظر را روشن و متبین گشته که نفس تصور او منع می‌کند که شرکت در وی واقع شود
عین نقطه‌ایست که در زیر با تعین اول که در مرتبه دوم واقع شده از سلسله مراتب
مطلق و تمام تحقیق آن سخن مرهون بیان [illegible] از جهت دیگر شرکت را به اراده باید پرداز علم
کهن باید گفت با او بزبان [illegible] باید گفت که [illegible] نشانه بر دو افعال
رموز حرفی که بر صحایف الواح احصا ثبت کرده‌اند که ما را دلالت بر تعین اول که معتبر
به حقیقت محمدیت از روی رابطه مناسبت روشن است چه تعالی اطراف که از خصایص
کریمه آن حضرت است چنانچه گفته باشد تعالی نعت الاطراف [illegible] الی
[illegible] لا تکلم الکونیه بارم بوفاداری که [illegible] نکته‌ایست [illegible] صحبت
مهابت که حصل بدیدن گم شد از باده [illegible] در آن مرتبه صورت
[illegible] از برای آنکه مرتبه ثانیه بمقابله غایت قرب [illegible]
طرف مهابت [illegible] واحد [illegible] چنانچه تحقیق آن در مفاحص [illegible] بوجهی که
[illegible] و [illegible] دخل [illegible] نقطه که [illegible] عبارت از وحدت

[illegible]

www.zakhair.net

This file was downloaded from QuranicThought.com

[illegible] که [illegible] آن همین است [illegible] اولیت از [illegible] اول اعتبارات [illegible] مفهوم [illegible]

[illegible] حسابی که هم آخر نموده در حوادث [illegible] کشف [illegible] اطلاق [illegible] اشاره

[illegible] این سخن [illegible] وحدت [illegible] وحدت [illegible]

سوم ، لا یعنی از تن بس بر کنید : در وحدت را احمد قد بر آمدی : در زمین و آسمان حسن تمام

عنبت : یعنی که این مثال به یا نامیشود واحدیست که تمام کثرت را اگر د آورده و بر آن

محیط گشته و از ینجاست که فهم معنی او منع مسئله که شرکت در وی واقع شود : روی صحرا

چو همه پرتو خورشید افتد : کی تواند بعضی سایه بدان صحرا شد : اما روی [illegible] ازین

این سخن که در آنجا زبان احصای حروف ابا کرده آنست که انا دریت لغت دلالت

بر ولایه میکند چنانچه بعضی از اولیاء [illegible] بدین لیس معنی سخن آنست که ولایت عبارت

از نقطه ایست که در تحت با واقع شده و تحقیقش آنست که نقطه که محل [illegible] اینجا در

حروف کتابی صور خطی ایشان [illegible] و دیگری آنکه مبدء همه [illegible] است از آن رو که نقطه ا

که مبدء اخود واقع گشته چنانچه صاحب [illegible] گفته : نقطه الف گشت الف جمله حروف

در هر حرفی الف با اسمی موصوف : و دیگر آنکه [illegible] همه بدست [illegible] از آن رو که

علم بخصایص ایشان میگردد مبدء تمیز متشابهات میشود پس معنی سخن بر این توجیه

آن باشد که ولایه عبارت از مبدء شعور و شهود بواحدیست که بر حقیقی بکار بود

www.mzi.ir
www.zakhair.net
This file was downloaded from QuranicThought.com

وقفية الأمير غازي للفكر القرآني
THE PRINCE GHAZI TRUST
FOR QUR'ANIC THOUGHT

چنانچه محیط باشد مبتدا و معاد و از اینجا معنی توحید بحرف انبیا و اساطین اولیا که از سر حقیقت
خود حق انبیا و رسل تعلیم ایشان [illegible] امتداد شده و از قمر [illegible] داشته که مترتب بر تقارب [illegible]
و متفرع بر روایت و اتباع و متابعت احوال افعال السنه به انبیا و رسل معلوم میشود
هوشمند را اگر تامل کند درین سخنان و جمعی بزرگان که گفته اند توحید جمعی آنست
که جامع باشد میان تنزیه و تشبیه همین مقصود اند و آنچه حضرت امام جعفر صادق ع
مرویست که فرموده الفرق تعطیل و الجمع زندقه و الجمعیه لا فی [illegible] الرب توحید یعنی
و معنی اتحاد که اکابر اولیا نقل شده اند چنانچه گفته اند و رجل فی فنون الاتحاد و [illegible]
المانه فی [illegible] الهت . همین خواهد بود نه آنچه بسیار فهم میشود و نعوذ بالله
کما یتخیل حلول الغیر بود و اتحاد هم . قدر [illegible] بحر دانه و بس که [illegible] خواند
معانی دانست . و در این لفظ که نقطه را از حروف گردانیده به انکه درکتب ثابت [illegible]
نقطه است و سیاست آنست که مبدا و اشهود واحد و [illegible] بدان که نقطه درین توجیه بدان
اشارت چند طریق دارد دیگر طریق عمل نظر است که بسیاری بر آن [illegible] اقدام
معتقدات [illegible] آن راه می یابند و بواسطه آنکه درین راه اشتراک [illegible] بسیار که
شبهات [illegible] سالک میگردد و حصول [illegible] آن طریق [illegible] تا در می یابند و [illegible] بسیار
می افتند که راه توحید را تعقل [illegible] دیده و روح را انکار [illegible] دیگر

طریق

www.mizi.ir
www.zakhair.net
This file was downloaded from QuranicThought.com

طریق مخصوصی که موجه است تحصیل ذوق ادراک این حقایق بی‌آنکه متحمل زحمت بزرگ شود و فطام نفس از
سایر رسوم و عادات و در این طریق بواسطه آنکه شارع خویش بر شاهراه متابعت
حضرت رسالت پناه ختمی و آثار و جهت نشده و رادع گشته اهل وصول بیشتر از طریق اهل
می‌باشند و راه ایشان بیشتر بتحقیق ارجمند و معارف ارامنه فائز میگردانید و این
طریق از مذاهب شعب بسیار است که متعلق آن از اسلامی پیش از این و فات شده در الحکمة از اسطو
بیشتر محصولات ارتفاعات و ثمرات مزارع و حصول نتیجه حظوظات جد و اجتهاد عبد
حصول رسیده و بسیاری نسبت که هر کمالی که افعال و احوال عبد را در تحصیل و استنتاج آن دخل
باشد از شوائب عجز و تقیید خالی نخواهد بود چه هر چند بر وفور حقایق علمی و معارف
یقینی از آن خارج است و خودی عبد و منشاء عز اجلال او صورت نتواند بست لیکن چون آن نحو
از خوبها را که آن عدم دارد و پرورش از ظلمت آباد نفس ماهیت امکانی گرفته البته از تاریکی
ظلمت آن خالی نخواهد بود: آفتاب با بیابه به چشم نور دیده چراغ و شمع نگردد در نور و طریقی
اسنی در تحصیل کمالات انسانی همان وضع حروف است که انوار و آیات آن
از مشرق رسالت انبیاء اولوالعزم تابنده است و هیچ گونه تعلق کسب عبد را در آن
دخل نیست: دولت آن است که بی‌خون دل آید بکنار با آنکه عبد را جز آن نیست که باقدام
جد و اجتهاد در تکاپوی صدور آن اقدام نماید آنست که مشکوة منشاء ادراک از جانب

www.mzi.ir
www.zakhair.net
This file was downloaded from QuranicThought.com

وقفية الأمير غازي للفكر القرآني
THE PRINCE GHAZI TRUST FOR QUR'ANIC THOUGHT

بدون نمای انظار عقلا از دلایل اشراقات خارجی که عبارت از عقاید جلیلهٔ ...

اسمی نشانه‌ایست که مقتضای طبایع سهمان نوادی غنیف بسمیه بشنیده‌ها شبایی

زمان همانست باکره دانند و دیده وران بصیرت آنکه از درگه امثال این حجب پرده جبایی

او کرده و از مقتضای نص یا ایها الناس قد جاءکم بصائر من ربکم فمن ابصر فلنفسه و من عمی

فعلیها و ما انا علیکم بحفیظ کنار زنموده شده برکرده: زر تر و دور کردن زر و زن

نقاب: زر و زن درون آسمان آفتاب: و آنی که صف کرده‌ست نقطه زکر مبدا

شعور و اشعارست، بگنجه و انکت باباشه تو بیچ به بین طرقی آنت خبایحه بر و افعال

زبان اشارت رسیده بخواهان گوران: نه هر که گوش کند معنی سخن داند، از وجوه

این سخن آنکه بنسبار بر امارت متعارف و طرق سلوک اشارات ان در صحه جلوه می‌آید

بر شانه بتکلف و تعسف بعمل هویدا گشت و لیکن وجوهی که معرب از تمام نقاصیت و

زبان ختم بدان گویاست نمی تخمین خصایص زمان و انحنای قائمه آن که منابع حکمت

ولایت و منابع ارشاد او به آینه بزبان رقوم عددی و حروف هندسی که صورت

زمان زر قرت و آنچه از السنهٔ اقلام مالک اقالیم کال بیرون آمده و ارقام اقفا

استعان ... بیان اشاره کرده همانند در سلک این وجوه منخرط میگردد تا هر که از نقوا

ادراکش را قرت فهم آن معانی شده باشد از قیاس حسن عقیدت و کمال نسبت

www.zakhair.net

This file was downloaded from QuranicThought.com

مستغنات حقایق حضرت رسالت پناه ختمی از آن بهره ور گردد ، هر کسی که او را زینت
درکشان حوصله باز نیست ، انا النقطة التی تحت الباء این اول جوهر که
١٦٥ ٥٤
زبان خفائی بیانش از غیبی نشان میدهد کن منبع تمام حکمت ختمی است . چنانچه چشمه سار
علوم سایره ما حکماء که تلامیذ انبیاء سابقه از شرمساری او در غار خجالت افتاده اند
کل با وجود او چو گیاه پیش گل ، در پیش روی او چو ستاره به پیش ماه ،
و از این رو در کلام اول بر وجه اظهار اشارة بوضع معروف و زبان شریفش شده ، نزد
کسی که بر این زبان واقف نشده نه هر کس ، ترجمه داند زبان مرغان را ،
گوید یا شیخ سلیمان را ، انا النقطة التی تحت الباء ، در این وجه بنظر بهجت
٥٢
گر تا بشیر صبح ولایت از افق ادوار و اطوار ظاهر گردد همگنان سر از جیب عطلت
و خواب بطالت که عبارت از اشتغال بما لا یعنیست یعنی آن علوم و اعمال که نفوذ نمودش
بسکه محجوبی ایشان به اهانت نفس در سینه برداشته ای نور دیده دور ظهور را کانت
و نیز در آب بشوی چه جای حکایت ، چنین آن عیان که از آثار اقدس شریف آن
صبح دمیده بر صدر پیشگاه ظهور نشسته و معترف زبان جای ایشان را در مکان محمول گردد
هر آینه زبان اشارت نیز در طی ستارة ، و اختفا بان تعبیر نموده ، هر یکی ان بزبان دلت
ترجمه اش هم به بیان دلت ، انا النقطة التی تحت الباء این وجه لم زبانی برهان
٥٢ ٨٧٢

وقفية الأمير غازي للفكر القرآني
THE PRINCE GHAZI TRUST FOR QUR'ĀNIC THOUGHT

بیانش از نقد بی‌نشان رسیده که رخ زیبای آفتاب طلعت پرتو از وی تابد و چهره این تجلی
جلال غیرت و جلال عظمتش از آن مبیّت کرده و معادت بستان ظلمت‌آباد طبیعت که سبیل
قوم چشمه کوثر برده و بنیاد ایشان گشته قدرت آن و اشتباه شده که شعاع ادراکش
پیرامون سرادق قدر آن نتواند گشت تا وقتی که زمان در رسد اکنون روییدن زبانش در
طی لفظ مراخفای استتار اسرار مشار الیه گشته وضع همایون شما هر دو مبین است که
تجربه نور سرمست گشت و نشاید چنانکه از کدام خستگی در سبزواری و اگر از این قوم خبری
مشکل ماند رجوع بجدول الکل نماید در مفاخر مثبت گشته تا به تازه روشن گردد انا النقطة التی تحت البا
و الآن این جهت که افصاح زبان معنی نموده که آفتاب جمال تابد از مشرق عیانش سر زند و تیغ
اشعه ظلم زدایش پرتو انوار بر عالم و عالمیان اندازد چون آن غیب گرداند این جهت که اکثر بهمه
به تحت ظهور و اظهار خرامیده است هر آینه بزبان افصاح آن تفریح نموده چنانکه السنه آیات
و احادیث همه گویند آنکه در پرده نور دیدن بی‌تشبیه است سر شمس از دست هر عیان کشیده
و چیزی چند که در طی انحروف و عبارت سحرآمیز مندرج است الحال آنکه بر چیده شده نغز نمود
صورت تحریر یافت تا طالبان هر کسی را از آن بهره زمانی ما حضر باشد تا رفته تحفه جواب کامل

به جهت نسخه یاران که چون آماده شد رحمهم الله
صلی الله علی محمد و آله و سلم تم الکتاب

This file was downloaded from QuranicThought.com